

ماهیت آتش جهنم و مقایسه آن با آتش دنیوی

جوشش حیات در قیامت به قدری سریع و عمیق است که وقتی پوست بدن ذوب می شود حیات به گونه دائم و پیگیر به آن نقطه هجوم آورده و با سرعت آن را ترمیم می کند و نمی گذارد آن قسمت از حس و حرکت باز بماند.



جوشش حیات در قیامت به قدری سریع و عمیق است که وقتی پوست بدن ذوب می شود حیات به گونه دائم و پیگیر به آن نقطه هجوم آورده و با سرعت آن را ترمیم می کند و نمی گذارد آن قسمت از حس و حرکت باز بماند. به گزارش خبرگزاری مهر، حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: تمام آتش دوزخ و عذاب قبر و قیامت غیر آنها را که شنیدی و قیاس کردی به آتش دنیا و عذاب دنیا، اشتباه فهمیدی، بد قیاس کردی، آتش این عالم یک امر عَرَضی سردی است. عذاب این عالم در مقایسه با عذاب آن جهان خیلی سهل و آسان است. ادراک تو در این عالم ناقص و کوتاه است. همه آتش های این عالم را جمع کنند روح انسان را نمی تواند بسوزاند. آنجا آتشش علاوه بر اینکه جسم را می سوزاند، روح را می سوزاند، قلب را ذوب می کند. فواد را محترق می نماید. تمام اینها را که شنیدی و آنچه تاکنون از هر که شنیدی، جهنم اعمال تو است که در آن جا حاضر می بینی که خدای تعالی می فرماید: و وجدوا ما علموا حاضرا (آیه 49 سوره کهف) یافتند آنچه کرده بودند حاضر و آماده.

اینجا مال یتیم خوری، لذت بردی، خدا می داند آن صورتی که در آن عالم از آن در جهنم می بینی و آن لذتی که در آن جا نصیب تو است چیست! این جا بد گفتی به مردم، قلب مردم را سوزانیدی و این سوزش قلب عباد خدا را خدا می داند چه عذابی دارد در آن دنیا، وقتی که دیدی، می فهمی که چه عذابی برای خودت تهیه کرده ای و وقتی غیبت کردی و صورت ملکوتی او برای تو تهیه شد، به تو رد می شود؛ با او محشوری و خواهی عذاب آن را چشید. اینها جهنم اعمال، که جهنم سهل و آسان و سرد و گوارا مال کسانی است که اهل معصیت هستند. ولی برای اشخاصی که ملکه فاسده و رذیله باطله پیدا کردند از قبیل ملکه طمع، حرص، حقد، جدال، شره، حب مال و جاه و دنیا و سایر ملکات پست، جهنمی است که نمی شود تصور کرد صورت هایی است که در قلب من و تو خور نمی کند که از باطن خود نفس ظهور می کند که اهل آن جهنم از عذاب آنها گریزان و به وحشت هستند.

سختی و شدت حرارت آتش آخرت را ما نمی توانیم در این عالم ادراک کنیم، زیرا که سبب اختلاف شدت و ضعف عذاب، یکی قوت و ضعف ادراک است؛ هر چه مدرک قوی تر و ادراک تام تر و خالص تر باشد، بیش تر ادراک الم و درد کند و یکی دیگر اختلاف موادی است که حسّ به او قائم است در قبول حرارت، چون مواد مختلف است در قبول حرارت مثلا طلا و آهن بیشتر قبول حرارت می کنند از سرب و قلع و این دو بیش تر قبول می کنند از چوب و ذغال و اینها از گوشت و پوست؛ و یکی دیگر شدت ارتباط قوه ادراک است به محل قابل؛ مثلا مغز سر انسان با آن که قبول حرارت کمتر می کند از استخوانها، مع ذلک تاثیرش بیشتر است، زیرا که قوه ادراک در آن بیش تر نمایش دارد، و یکی دیگر نقص و کمال خود حرارت است. اگر حرارت صد درجه باشد، بیشتر متالم می کند از آن که پنجاه درجه باشد؛ و یکی دیگر اختلاف ارتباط ماده فاعله حرارت است به ماده قابله آن؛ مثلا آتش اگر مقارن با دست باشد یا بچسبد به دست، در سوختن فرق نمی کند.

تمام این اسباب پنجگانه که ذکر شد در این عالم در کمال نقص است و در آن عالم در کمال قوت و تمامیت است. جمع ادراکات ما در این عالم ناقص و ضعیف و محبوب به حجب کثیره ای است که ذکر آنها موجب تطویل و مناسب با این مقام نیست. امروز چشم ما ملائکه و بهشت و جهنم را نمی بیند گوش ما صداهای عجیب و غریب برزخ و برزخیان و قیامت و اهل آن را نمی شنود. حس ما، ادراک حرارت آن جا را نمی کند. همه از نقص خود اینهاست. آیات و اخبار اهل بیت علیهم مشحون به ذکر این مطالب است تلویحا و تصریحا.

اما بدن انسان در این عالم قابل حرارت نیست یک ساعت اگر در این سرد دنیا بماند خاکستر می شود ولی خدای قادر در قیامت این بدن را به بلوری قرار می دهد و خلق می کند که در آن آتش جهنم که به شهادت جبرئیل امین اگر یک حلقه از سلسله هفتاد ذراعی اهل جهنم را در این عالم بیاورند، تمام کوه ها از شدت حرارت آن ذوب می شود. (بحار/ج 8/ ص 305/تفسیر برهان/ج 4/ ص 379)

بدن در جهنم باقی می ماند همیشه و ذوب نمی شود و تمام نمی گردد. بدن انسان هم در قیامت قابلیتش، طرف قیاس نیست با این عالم. و اما ارتباط نفس به بدن در این عالم خیلی ضعیف و ناقص است. این عالم تعصی و تمناع دارد از آن که نفس در او به قوای خود ظاهر می گردد ولی آن عالم مملکت ظهور نفس است و نسبت نفس به بدن، نسبت فاعلیت و خلاقیت است، چنانچه در محل خود ثابت است و این نسبت اتمّ مراتب نسبت ها و ارتباط هاست.

و اما آتش این عالم، یک آتش افسرده سردی است و یک امر عَرَضی مشوب به مواد خارجی غیر خالص است، ولی آتش جهنم خالص و بی خلط و جوهر قائم بالذات حیّ مریدی است که از روی شعور، اهل خود را می سوزاند و به هر قدر که مامور است فشار به اهل خود

می آورد. در وصفش شنیدی فرموده صادق مصدق جبرئیل امین را، قرآن خدا و اخبار پر است از وصف آن.

و اما ارتباط آتش جهنم و التصاق و چسبیدن آن به بدن در این عالم شبیه ندارد. جمیع آتش های این عالم اگر به انسان احاطه کند، بیش از احاطه به سطوح نکند، ولی آتش جهنم به ظاهر و باطن و به خود مدارک و متعلقات آنها یک نحو احاطه دارد آن آتش است که قلب و روح و قوا را می سوزاند و با آنها یک نحو اتحاد پیدا می کند که در این عالم بی نظیر است.

پس معلوم شد که موجبات عذاب در این عالم به هیچ وجه فراهم نیست. نه مواد این جا لایق قبول، و نه فاعل حرارت تام الفاعلیه، و نه ادراک تام است. آتشی که جهنم از نفس او بسوزد. ما ادراک آن را و تصور آن را نمی توانیم بکنیم، مگر آن که خدای نخواستہ جزو متکبران گردیم، و این خلق زشت ناهنجار را اصلاح نکرده، از این عالم منتقل شویم و بالمعاینه آن را ببینیم. فلبئس متوئی المتکبرین. (آیه شریفه 29 سوره نحل)

شهادت اعضا و جوارح و جدل آنها با انسان، در روز قیامت شاهد گویایی از وضع جدید است. انسان پس از مرگ چشم تیزبینی پیدا کرده و پرده ها و موانع از مقابل دید او بر داشته می شود به گونه ای که فرشتگان را می بیند.

در آیه شریفه 103 سوره انبیا می فرماید: فرشتگان با آنها ملاقات می کنند و به آنها می گویند این است روزی که به شما و عده داده می شد.

جوشش حیات در قیامت به قدری سریع و عمیق است که وقتی پوست بدن ذوب می شود حیات به گونه دائم و پیگیر به آن نقطه هجوم آورده و با سرعت آن را ترمیم می کند و نمی گذارد آن قسمت از حس و حرکت باز بماند.

آنچه از مجموع آیات فهمیده می شود این است که در قیامت پس از زمین لرزه و نفخ صور نخستین نظام کنونی ویران شده خورشید می میرد ماه و ستارگان فرو می ریزند و سپس با نفخ صور دوم، نظام جدیدی مناسب با ابدیت به وجود می آید در آن وضع حیات مفهوم واقعی پیدا می کند و همه چیز از حساسیت و شعور و نطق و بیان برخوردار می گردد و حیات از عمق اشیای مرده بیرون می آید.

منبع : چهل حدیث امام خمینی (ره)